



از اودیسه تا اینسپشن: چگونه «خواب» الهامبخش هنرمندان شد

وقتی به خواب می‌رویم، به دنیایی تخیلی و سرشار از تصاویر سورئال می‌رویم که حتی تصور آنها برای یک فرد بیدار دشوار است. رویاها الهامبخش هنرمندان همه اعصار و قرون شده‌اند.

وقتی به خواب می‌رویم، به دنیایی تخیلی و سرشار از تصاویر سورئال می‌رویم که حتی تصور آنها برای یک فرد بیدار دشوار است. رویاها الهامبخش هنرمندان همه اعصار و قرون شده‌اند.

هر بار که به خواب می‌رویم، به دنیایی تخیلی و سرشار از مناظر سورئال وارد می‌شویم که حتی تصور آنها برای یک فرد بیدار دشوار است. پس تعجبی ندارد که از اودیسه تا اینسپشن، رویاها وارد کارهای نویسندگان، هنرمندان و فیلمسازان همه اعصار و قرون شده‌اند:

هومر

در خیلی از فرهنگ‌ها، داستان‌هایی از خواب‌هایی وجود دارد که در آینده به واقعیت پیوسته‌اند. در اودیسه هومر، که در قرن هفتم یا هشتم پیش از میلاد سروده شد، پیلوپه خواب عقابی را می‌بیند که 20 غاز را می‌کشد. او این خواب را نشانه‌ای از این تلقی می‌کند که همسرش، اودیسه از سفر باز خواهد گشت و بر خواستگاراناش پیروز خواهد شد. این نقاشی از خواب پیلوپه اثر جان فلاکسمن (1755 تا 1826) است.

شکسپیر

نظریه‌های ماورا الطبیعه در مورد خواب و رویا، بخش عمده‌ای از تاریخ را در اختیار خود داشتند. با این وجود، برخی از فلاسفه مانند هروودوت در قرن پنجم پیش از میلاد، احتمال می‌دادند که رویاها بازتابی از افکار و خشم هنگام بیداری باشند. هزار سال طول کشید تا دیگران نیز این ایده را بپذیرند، و در اوایل قرن هفدهم، ویلیام شکسپیر از آن در نمایش مکبث استفاده کرد؛ که در آن بانو مکبث پس از قتل دونکان، در خواب راه می‌رود. اکنون ما می‌دانیم که رویاها شاید به مغز در سلامت یافتن از آسیب کمک کنند.

چارلز دیکنز

به رغم این که جنبش روحانی در قرن نوزدهم هم به تفسیر ماورا الطبیعه رویاها ادامه می‌داد، چارلز دیکنز روشن‌فکرتر از آن بود که چنین تفاسیری را بپذیرد. کتابخانه او حاوی خیلی از پژوهش‌های علمی اولیه بود که به این می‌پرداختند که زندگی ما در زمان بیداری، چگونه بر رویاهای ما تاثیر می‌گذارد.

یک ایده این بود که احساسات ناخوشایند جسمی در زمان خواب، مانند سوء هاضمه، می‌تواند منجر به کابوس شود. آن گونه که اسکروچ در داستان سرود کریسمس می‌گوید: «شاید یک تکه گوشت هضم نشده باشی، کلی خردل، یک تکه پنیر، یا بخشی از یک سیب زمینی. بیشتر از آن که به مرگ ربط داشته باشی، مربوط به آبگوشت هستی»

لوئیس کارول

«آلیس در سرزمین عجایب» و «آن سوی آینه»، دو اثر لوئیس کارول هستند که احتمالا دو مورد از گسترده‌ترین تحلیل‌های خواب در ادبیات به شمار می‌روند. از اختلال در درک زمانی و تغییر ابعاد گرفته تا منطق عجیب و غریب شخصیت‌های داستان، کارول کاملا ویژگی‌های شخصیتی دنیای خواب را توصیف می‌کند. عصب شناسان تازه در این زمان و به کمک فناوری‌های نوین اسکن مغزی، تشریح این فرایندها را آغاز کرده‌اند.

هیچکاک و دالی

در قرن بیستم، جنون روانشناسی فرویدی مردم را بر آن داشت که یک بار دیگر در خواب‌هایشان به دنبال نشانه‌ها و سمبل‌های پنهان بگردند؛ البته این بار به عنوان راهی برای تفسیر ضمیر ناخودآگاهشان. فیلم سال 1945 «افسون شده»، که یک فیلم معمایی به کارگردانی آلفرد هیچکاک بود هم تحت تاثیر همین مد بود. اینگرید برگمان، ستاره فیلم یک روان‌شناس بود که یک توالی خواب سوررئال را که توسط سالوادور دالی طراحی شده بود، تفسیر می‌کرد تا معمای ناپدید شدن همکارش را که پس از آن رخ داده بود، حل کند.

توئین پیکس

دیوید لینچ هم یک رویکرد سوررئال را در سریال تلویزیونی توئین پیکز (1990-1991) در پی گرفته بود؛ در این سریال، یک کوتوله سرنخ‌هایی را برای کشف معمای قتل لارا پالمر ارائه می‌کرد.

علم خواب

معمولا، وقتی داریم خواب می‌بینیم به عجیب بودن آنها فکر نمی‌کنیم. پژوهشگران علت این امر را کاهش فعالیت لب پیشانی مغز می‌دانند. مایکل گوندیری کارگردان فیلم «علم خواب» به سال 2006 از این پدیده در فیلم خود استفاده کرد و به زندگی استفان میرو پرداخت که خواب و بیداری او با هم یکی شده بودند. چیزهایی با ابعاد بزرگتر از اندازه واقعی، مانند دستان غول آسای میرو، باید نشانه قطعی این باشند که داریم خواب می‌بینیم.

اینسپشن

بیش از صد سال پس از اولین مورد ثبت شده حالت خواب، خواب‌های آگاهانه (خوابی که فرد می‌داند که دارد خواب می‌بیند) الهام بخش کریستوفر نولان شد تا فیلمنامه اینسپشن را بنویسد و آن را در سال 2010 کارگردانی کند. در این فیلم دام کوب (با بازی لئوناردو دی‌کاپریو) وارد خواب دیگران می‌شود و آن را دستکاری می‌کند تا بر رفتارشان در زمان بیداری تاثیر بگذارد.

توان کوب در پریدن از خواب یک نفر به خواب نفر دیگر، کاملاً تخیلی است، ولی روانشناسی به نام تاداس استامبریس از دانشگاه هایدلبرگ آلمان، فیلم را بابت پرداختن به این رویاها می‌ستاید. استامبریس و دیگران امیدوارند که با کاوش فرایندهای عصبی منتهی به خواب‌های آگاهانه، به درک بهتری از مفهوم کلی هشیاری برسند.